



واقعیت تحریم "انتخابات" را به تحریم فعال تبدیل کنیم

کمتر از یک ماه تا ۲۸ خرداد ۱۴۰۰ باقی مانده است. روزی که قرار است دوازدهمین دوره نمایش انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود. مضحکه ای که هر چهار سال یک بار تکرار می شود و هرگز هم کمترین ثمری برای بهبودی شرایط زندگی کارگران و عموم توده های مردم ایران نداشته و نخواهد داشت.

با این همه، آنچه نمایش انتخاباتی این دوره را نسبت به دوره های پیشین متمایز کرده است، همانا بی رونقی، رویگردانی و امتناع کلیت جامعه از حضور در پای صندوق های رای است.

از سکه افتادن مضحکه انتخاباتی و رویگردانی اکثریت مطلق توده های مردم ایران از نمایش انتخاباتی پیش رو، آنچنان آشکار است که علاوه بر رسانه های حکومتی، همه مسئولان جمهوری اسلامی نیز به آن اذعان دارند. نظرسنجی های دولتی و غیر دولتی، در بهترین حالت از حضور ۳۰ درصدی واجدان شرایط در این نمایش انتخاباتی خبر می دهند.

صف آرای شگفت انگیز لایه های مختلف توده های مردم ایران در مقابل مضحکه انتخاباتی رژیم، البته نه اقدامی فی البداهه، آنی و لحظه ای، که تصمیمی از پیش گرفته شده است. این تصمیم انقلابی توده های مردم ایران متأثر از شرایط عینی و انقلابی حاکم بر جامعه است. شرایط نوینی که با خیزش سلحشورانه توده های مردم ایران در دیماه ۹۶ شکل گرفت، در قیام شکوهمند آبان ۹۸، اعتلای بیشتری یافت و پس از آن نیز به رغم شیوع پاندمی کرونا که منجر به افت و خیزهایی در عروج مبارزاتی کارگران و توده های مردم ایران شد، همچنان به اشکال مختلف چه با اعتصاب در محیط کار، چه با حضور اعتراضی در کف خیابان ها و چه با تجمعات اعتراضی در مقابل ادارات دولتی تداوم یافته و این امر نشان می دهد که پرچم خونین مبارزات توده های مردم ایران پس از آبان ۹۸ بر زمین نیفتاده است.

در واقع، زمینه های تحریم گسترده نمایش انتخاباتی جمهوری اسلامی توسط اکثریت توده های مردم ایران، نه در روزهای کنونی، که از دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ عینیت یافت. از همان زمانی که توده های جان به لب رسیده مردم ایران با اعتراضات پرشکوه خیابانی خود در ۲۸ استان و بیش از ۱۰۰ شهر ایران با سردادن شعارهایی نظیر "اصلاح طلب اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا"، "اصلاحات رفراندم، رمز فریب مردم"، "اونکه میگه رفراندم، دروغ میگه به مردم"، "نه رفراندم نه اصلاح، اعتصاب انقلاب"، "چه دی باشه چه آبان، پیام یکی ست انقلاب"، یکسره بر مضحکه های انتخاباتی رژیم خط بطلان کشیدند. نه تنها بر خیمه شب بازی انتخاباتی رژیم خط بطلان کشیدند، که در گستره ای به وسعت ایران سرنگونی جمهوری اسلامی را فریاد زدند. فریادی که پس از آن هرگز خاموش نشد و تا به امروز به اشکال مختلف در کارخانه و خیابان و معدن و دانشگاه و مدرسه تداوم یافته است.

مبارزات خیابانی یکشنبه های بازنشستگان تامین اجتماعی، همراه با شعار "از بس دروغ شنیدیم، ما دیگه رای نمی دیم"، نمونه روشنی از پژواک تحریم "انتخابات" در کف خیابان های ایران است. همدلی و هم آوایی شکوهمند مادران خاوران، مادران ۸۸، مادران دیماه ۹۶، مادران روزهای خونبار آبان ۹۸، مادران داغدار جانباختگان هوپیمای اوکراینی و همه مادرانی که طی ۴۲ سال گذشته فرزندان شان در زندان ها و در خیابان ها کشتار شده اند، نمونه دیگری از انعکاس تحریم "انتخابات" است. واکنش عمومی کاربران شبکه های اجتماعی با هشتک "رای بی رای"، گستره دیگری از کمپین تحریم انتخاباتی رژیم در ۲۸ خرداد است.

تحریمی عمومی که با گذشت هر روز پژواک بیشتری می یابد. تحریمی همگانی که شعار آن از دل قیام خونین آبان ۹۸ در متن جامعه پمپاژ شد و اکنون با نزدیک شدن به ۲۸ خرداد به صورت علنی و در گستره ای وسیع طنین انداز است. صدای تحریم نمایش انتخاباتی، آنچنان در متن جامعه طنین انداز است، که هیئت حاکمه ایران و نهادهای امنیتی رژیم نیز واقعیت تحریم را پذیرفته اند. سخنان عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان، مبنی بر اینکه: "مشارکت پایین مردم هیچ مشکلی برای مشروعیت انتخابات ایجاد نمی کند"، در واقع پذیرش تحریم "انتخابات" توسط رژیم است.

با این همه و به رغم تصمیم عمومی توده های مردم ایران مبنی بر تحریم "انتخابات"، آنچه اکنون موجب نگرانی هیئت حاکمه و نیروهای امنیتی رژیم شده است، نه تحریم صرف "انتخابات"، که تحریم فعال نمایش انتخاباتی است.

ورود تهدید آمیز دستگاه قضایی به صحنه "انتخاباتی"، آمادگی ۲۶۰ هزار نیروی نظامی برای "تامین امنیت انتخابات" و سخنان معاون امنیتی وزارت کشور مبنی بر اینکه "یگان های واکنش سریع" برای برخورد با "تهدیدهای احتمالی" تشکیل شده و با هرگونه اخلال در امنیت و نظام انتخابات "قاطعانه برخورد خواهد شد"، جملگی بیانگر وحشت طبقه حاکم از تحریم فعال "انتخابات" است.

روشن است، در دوران انقلابی حاکم بر جامعه، در وضعیتی که فقر و بیکاری، تورم و گرانی، و مرگ و میر ناشی از پاندمی کرونا بر گلو مردم چنگ انداخته است، در شرایطی که نارضایتی و اعتصاب و اعتراض به اشکال مختلف در جامعه جاری است، در وضعیتی که بحران های عمیق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سر تا پای رژیم را فرا گرفته است، در وضعیتی که استیصال و ورشکستگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، ادامه حیات رژیم را سخت مشکل کرده است، روی گردانی عموم توده های مردم از صندوق های رای، اگرچه اقدامی مفید و در خور تحسین است، اما پاسخگوی شرایط عینی روند مبارزاتی کارگران و عموم توده های زحمتکش مردم ایران نیست. نیاز شرایط کنونی جامعه ما که آستن یک انقلاب اجتماعی راستین است، نه تحریم صرف که تحریم فعال انتخابات ۲۸ خرداد است.

تحریم فعال، یعنی تشدید اعتصابات و گسترش حضور مبارزاتی مردم در کف خیابان ها برای براندازی سیستم انتخاباتی فعلی و جایگزینی آن با سیستم انتخاباتی مورد نظر توده های مردم ایران. سیستمی که کارگران و زحمتکشان، و تمامی آحاد مردم ایران به طور یکسان از حق آزادی انتخاب کردن و انتخاب شدن برخوردار باشند. سیستمی که طبقه کارگر، زنان، معلمان، پرستاران، دانشجویان، بازنشستگان و عموم توده های مردم ایران بر زندگی و سرنوشت خود حاکم باشند. تجربه ۴۲ سال حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی نشان داده است که تحقق چنین امری، بدون سرنوشتی جمهوری اسلامی ممکن نیست.

پس تحریم فعال، یعنی گسترش اعتصابات کارگری در درون کارخانه ها، یعنی سازماندهی اعتصابات سراسری و تدارک اعتصاب عمومی سیاسی، یعنی گسترش حضور مبارزاتی مردم در کف خیابان ها، یعنی تشدید مبارزه در عرصه های مختلف اجتماعی برای سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی و برپایی حکومت شورایی که کارگران و عموم توده های زحمتکش مردم ایران از صفر تا صد آن، بر امورات زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود حاکم باشند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه داری

زنده باد آزادی – زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۰

کار، نان، آزادی – حکومت شورایی